

# بررسی نظام حقوقی لبنان

دکتر خیرالله پروین\*

**چکیده:** باتوجه به این که کتاب بررسی سیستم حقوقی کشور لبنان در دست تهیه و تدوین است، لذا این مقاله به عنوان چکیده‌ای از کتاب مذکور در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد. باتوجه به سیستم دوگانه‌ای که از جهات مختلف (حقوقی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی) در کشور لبنان حاکم است، شناخت بیشتر این کشور برای پژوهشگران مفید خواهد بود. سیستمی که در یک طرف آن مسیحیت به پشتوانه نظام غرب و در طرف دیگر اسلام و وابستگی آن به کشورهای عربی، اسلامی قرار دارد و تفاوت‌های اساسی که بین گروه‌های مسیحی و اسلامی وجود دارد<sup>۱</sup> وضعیت این کشور را منحصربه‌فرد کرده است؛ لذا در این مقاله به بررسی سیستم حقوقی این کشور؛ و سابقه تاریخی لبنان در این خصوص و تأثیرپذیری آن از امپراتوری عثمانی و کشورهای غربی از جمله فرانسه پرداخته شده و آخرین تغییرات پس از اصلاحیه اخیر قانون اساسی در ساختار حکومتی و قانونی سازمان‌ها و نهادهای آن توضیح داده می‌شود.

**کلید واژه:** سابقه تاریخی، قیومیت فرانسه، استقلال لبنان، منابع حقوق، قانون اساسی، اختیارات قوا و...

## فهرست مطالب

- ۱- مقدمه
- ۲- منشا و روش نظام سیاسی و حقوقی لبنان (سابقه تاریخی)
- ۳- قیومیت فرانسه
- ۴- استقلال لبنان
- ۵- نظام حقوقی و سیاسی لبنان
- ۶- منابع حقوق در لبنان
- الف: قانون عثمانی شامل حقوق اسلامی و دادگستری
- ب: قانون فرانسه
- ج: مصوبات قوه مقننه
- ۷- شکل حکومت
- الف: از نظر قانون اساسی
- ب: مهم‌ترین اصلاحیه‌های قانون اساسی لبنان
- ۸- وضعیت سیستم حقوقی لبنان قبل و بعد از آخرین اصلاحیه قانون اساسی (۱۹۹۰)

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

<sup>۱</sup> - در قوانین لبنان ۱۱ گروه مسیحی و ۳ گروه مسلمان به رسمیت شناخته شده است.

اول: قبل از اصلاحیه

دوم: بعد از اصلاحیه

الف: رییس جمهور

۱- انتخابات رییس جمهور

۲- اختیارات رییس جمهور

ب) مجلس نمایندگان (یا مجلس النواب)

جلسات مجلسی:

\* دوره عادی

\* دوره یا نشست فوق‌العاده

\*\*\*\*\*

## مقدمه

لبنان از نظر مساحت جغرافیایی کشور کوچکی است، اما از نظر فرهنگی و علمی، بزرگ و قابل توجه. لبنان با تمدن قدیمی؛ تنوع مذاهب؛ همزیستی اقوام و گروه‌ها و طوایف مختلف، فرهنگ غنی و طبیعت زیبایش، از دیگر کشورها در منطقه خاورمیانه متمایز شده است. نام لبنان در انجیل آمده و با توجه به مواردی که ذکر شد می‌توان آن را یک دنیای کوچک یا آنرا ویتروینی از دنیا نام نهاد. از گذشته بسیار دور تاکنون کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عربی، صدای خود را از لبنان به گوش جهانیان می‌رسانند. نقل شده که وقتی صلاح‌الدین ایوبی دمشق را فتح کرد، به نیروهایش دستور داد فتح دمشق را این‌جا اعلان نکنید، بلکه وقتی به بیروت رسیدیم، در آن‌جا فتح دمشق را اعلام کنید؛ چون اخبار در بیروت، به خوبی به گوش جهان می‌رسد. لبنان، مرکز برخورد فرهنگ‌هاست و بیروت مرکز نقل چاپ کتاب‌های علمی است به‌طوری‌که برابر آمار اعلام شده، سالانه ۳۰۰ هزار جلد کتاب در بیروت به چاپ می‌رسد.<sup>۱</sup>

لبنان برای مدت‌های مدیدی؛ مرکز تحصیل علوم در خاورمیانه بوده است. بیروت در زمان امپراتوری روم، به جهت دایر بودن دانشکده مهم حقوق؛ به "مادر حقوق" معروف بوده است. از اواسط قرن بیستم میلین مذهبی و سیاسی فرانسوی؛ آمریکایی؛ انگلیسی و کشورهای عربی و اسلامی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های را در سطح لبنان تاسیس کردند، حتی در حال حاضر نیز برخی از کشورهای عربی و اسلامی در لبنان دانشگاه تاسیس کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به دانشگاه العربیه بیروت توسط کشور مصر و دانشگاه امام الاوزاعی با سرمایه، عربستان؛ دانشگاه آزاد اسلامی ایران، دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه ژوزف مقدس یا قدیس یوسف توسط فرانسویها، دانشگاه آمریکایی بیروت یا کالج دانشگاهی آمریکایی و دانشگاه اسلامی که مربوط به مجلس اعلای شیعه است، اشاره کرد.

قابل ذکر است لبنان با مساحت کمی که دارد در حال حاضر دارای ۲۴ دانشگاه است که از این تعداد، فقط دانشگاه الجامعه اللبنانیه دولتی و ملی و مابقی آن خصوصی هستند، در کلیه این دانشگاه‌ها، به جز دانشگاه

<sup>۱</sup> - یک مثل معروف وجود دارد که می‌گوید: کتاب‌ها را در قاهره می‌نویسند در بیروت چاپ می‌کنند و در بغداد می‌خوانند.

آمریکایی بیروت، دانشکده حقوق وجود دارد. در دانشگاه ژوزف مقدس و قدیس یوسف، حقوق فرانسه و لبنان تدریس می‌شود این دانشکده، تا دهه هفتاد یعنی تا ۳۰ سال پیش، تحت نظارت دانشگاه لیون فرانسه اداره می‌شده است.

## منشا و روش نظام سیاسی و حقوقی لبنان (سابقه تاریخی)<sup>۲</sup>

لبنان از زمان فتح کشورهای عربی توسط امپراتوری عثمانی تحت سیطره ترکیه و جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد. ترک‌ها بر شهروندان آن، حکومت مطلق داشتند و مالیات بر آن‌ها وضع می‌کردند.<sup>۲</sup> لبنان از سال ۱۵۱۶ میلادی و تا زمان شروع قیمومیت فرانسه در سال ۱۹۲۰، قسمتی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد؛ به طوری که لبنانی‌ها تا سال ۱۹۲۵، دارای تابعیت عثمانی بودند و برای آن‌ها شناسنامه عثمانی صادر می‌شد. عثمانی‌ها در این مدت چهارصد ساله هیچ‌گاه نتوانستند نظارت مستقیمی بر لبنان اعمال کنند. لبنان در سال‌هایی که قسمتی از قلمرو امپراتور عثمانی بود، سه مرحله از نظام حکومتی را گذراند. در مرحله اول نظام فئودال بر لبنان حاکم بود و آن را به دو ناحیه حکومت مسیحی و دروزی تجزیه کرده بود. این مدت به طور تقریبی ۳۰۰ سال ادامه داشت؛ یعنی از قرن پانزدهم تا قرن هجدهم در مرحله دوم، حکومت به دو بخش حکومتی معروف به "قائم مقامین" تقسیم شده بود؛ یک بخش حکومت مسیحی مارونی<sup>۳</sup> تحت حاکمیت مسیحی‌ها به نام قائم مقام قرار گرفته بود که این ناحیه بیشتر در ترابلس و تا جاده دمشق بود و بخش دیگر تحت حاکمیت قائم مقامی دروزی‌ها<sup>۴</sup> بود که امتداد آن از جاده دمشق ترابلس و بیروت تا صیدا و صور در جنوب قرار داشت.<sup>۵</sup> در این مرحله اختیارات قضایی در دست حکومت‌ها و براساس عرف محلی اعمال می‌شد. قضات نیز متعلق به دسته‌ها و فرقه‌های مذهبی بودند، البته نمایندگانی نیز از طوایف مختلف در مجلس قائم مقامیه حضور داشتند که شامل قاضی و مستشار از جانب مارونی‌ها؛ روم ارتودوکس؛ روم کاتولیک؛ اهل تسنن و دروز بودند و مستشار دادگاه به دلیل این‌که قاضی مسلمان در دو طایفه بی طرف حکم می‌کند شیعیه بود. این مرحله برخلاف مرحله اول، زیاد دوام نداشت و حدود بیست سال از (۱۸۴۲ تا ۱۸۶۱) میلادی به طول انجامید. در مرحله سوم به علت تحریک‌های خارجی‌ها از جمله اروپایی‌ها؛ روس‌ها و امپراتوری عثمانی؛ در لبنان جنگی داخلی صورت گرفت و این امر پنهان و دستاویزی شد تا فرانسه در امور این کشور دخالت کرده و سربازان خود را به لبنان اعزام کند. در این مرحله، یک کمیسیون بین‌المللی؛ سیستمی را برای تجدید سازمان نظام حکومتی لبنان به‌وجود آورد که متضمن استقلال همیشگی لبنان بود. یعنی پنج کشور قدرتمند اروپایی و حکومت عثمانی موافقت‌نامه‌ای را در شهر

<sup>۲</sup> - سابقه تاریخی لبنان در کتابی که در دست تهیه و تدوین است به صورت مفصل بیان خواهد شد. و در این مقاله به صورت مختصر به آن اشاره شده است.

<sup>۳</sup> - فلیپ حتی، تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین دارالترقیة، بیروت، ۱۹۷۶، ص ۳۱۰.

<sup>۴</sup> - بزرگ‌ترین طایفه مسیحی که ۱۹ درصد جمعیت لبنان را دارد و رئیس جمهور از این طایفه انتخاب می‌شود.

<sup>۵</sup> - دروزی‌ها طایفه‌ای از مسلمانان هستند که جزو شیعیان محسوب می‌شوند آن‌ها دارای آیین خاصی هستند، لباس خاص (شبییه لباس اکراد) می‌پوشند و ۸ درصد جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند آقای جنیلاط رهبر سیاسی دروزی‌ها و شیخ عقل رهبری مذهبی این گروه است.

<sup>۶</sup> - ملحم قربان، تاریخ سیاسی الحدیث، الجزء الاول، ص ۴۴ و جوا بولس، تاریخ لبنان، ص ۳۴۵.

قسطنطنیه به امضا رساندند و تجدید سازمان نظام حکومتی لبنان را به رسمیت شناختند و تا قبل از جنگ جهانی اول، لبنان از نظام حکومتی مستقلی برخوردار بود؛ اما تحت حاکمیت مشترک کشورهای اروپایی و حکومت عثمانی قرار داشت. در این مدت سیستم قضایی این کشور؛ فرقه‌گرایانه و براساس قانون امپراتوری عثمانی که مبتنی بر فقه حنفی بود؛ اعمال می‌شد. حقوق و تکالیف خارجی‌های ساکن لبنان، براساس معاهدات منعقد شده بین دولت‌های آن‌ها و امپراتوری عثمانی تعیین و امتیازات خاصی به خارجی‌ها تعلق می‌گرفت در صورت محاکمه آن‌ها، این امر در حضور دادگاه کنسولی و براساس قوانین کشور متبوع صورت می‌گرفت معاهدات، به فصل‌هایی به نام "کاپیتولا"<sup>۸</sup> (امتیازهای اعطایی امپراتوری عثمانی به خارجی‌ها) تقسیم می‌شد؛ لذا این امتیازات به کاپیتولاسیون<sup>۹</sup> مشهور بود.

بررسی و مطالعه تاریخ لبنان؛ هم از نظر سیاسی و هم از نظر قانونی و قانون اساسی، ارتباطی محکم با تاریخ سیاسی و قانونی امپراتوری عثمانی دارد، هم‌چنین به تاریخ دولت اسلامی از ابتدای وجود و شروع دین اسلام نیز بسیار مرتبط است. تا ابتدای جنگ جهانی اول، قوانین و مقررات عثمانی در این کشور، حاکم و قابل اجرا بود؛ لیکن اندیشه ایجاد قانون اساسی (که از غرب منشا گرفته بود) سبب شد تا لبنانی‌ها خواستار تحقق آن در کشور خود شوند.<sup>۱۰</sup>

### قیمومیت فرانسه بر لبنان

در سال ۱۹۲۰، شورای عالی متحدین، با قیمومیت فرانسه بر لبنان و سوریه موافقت کرده و شورای جامعه ملل، در سال ۱۹۲۲ نیز آن را تصویب کرد. بعد از به قیمومیت در آمدن لبنان توسط فرانسه؛ اولین مقام عالی‌رتبه فرانسوی حاکم بر لبنان، به موجب فرمانی، مقررات حکومتی برای دولت جدید تنظیم و ابلاغ کرد؛ سپس یک کمیته اداری لبنان بزرگ تشکیل شد تا در امور قانونگذاری عمل کند. پس از چند سال؛ شورای مشورتی یا همین کمیته اداری لبنان بزرگ؛ پیش‌نویس قانون اساسی جدیدی را برای اولین بار برای کشور لبنان تهیه کرد و در نهایت پیش‌نویسی که توسط شورای نویسندگان تهیه شد؛ مورد تصویب و تایید نهایی قرار گرفت. براساس قانون اساسی، حکومت لبنان، جمهوری اعلام شد که نخستین جمهوری در جهان عرب بود. قانون اساسی جدید؛ نظامی دموکراسی و پارلمانی را ایجاد کرد. شورای مشورتی تبدیل به مجلس نمایندگان شد و همراه یک مجلس سنا که براساس قانون اساسی جدید ایجاد شده بود به انجام وظیفه و قانونگذاری پرداخت.

### استقلال لبنان

در تاریخ ۲۲ آذر ۱۹۴۰، گردهمایی بزرگی در شهر بعیدا در نزدیکی بیروت تشکیل شد، در این اجتماع بزرگ استقلال لبنان اعلام و برای اولین بار پرچم لبنان در کاخ بعیدا به اهتزاز در آمد.<sup>۱۱</sup>

<sup>۸</sup> - منظور واژه Capitula است که به معنی امتیازهای اعطایی دولت عثمانی به خارجیان بوده است و تقریباً مشابه آنچه که در رژیم گذشته ایران به آمریکایی‌های مقیم ایران داده شده بود، یعنی چنان‌چه یک فرد آمریکایی در داخل ایران مرتکب جرمی می‌شد در آمریکا و در دادگاه آن کشور و براساس قوانین آمریکا محاکمه می‌شد.

<sup>۹</sup> - دکتر زهیر شکرالوسیط فی القانون الدستوری، الدارالجامعیه، بیروت ۲۰۰۱ ص ۲۶

<sup>۱۱</sup> - امین السعید: الثورة العربية الكبرى، ثلاثة اجزای مطبوعه عیسی البابی الحلبي، القاهرة، بدون تاریخ.

در جنگ جهانی دوم، نیروهای فرانسه آزاد و انگلیس در سال ۱۹۲۱، سوریه و لبنان را از فلسطین جدا ساختند؛ سپس در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۱ استقلال سوریه نیز به طور رسمی اعلام شد و در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۱، نیز قیومیت فرانسه بر آن، پایان یافت و استقلال لبنان به صورت رسمی اعلام شد و در ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ لبنان به استقلال واقعی دست یافت. مجلس جدید نمایندگان قیومیت فرانسه را به عنوان یک قدرت قیم<sup>۱۱</sup> و قیومیت جامعه ملل را ملجی اعلام کرد.

## نظام حقوقی و سیاسی لبنان و منابع قانون اساسی آن:

سیستم حکومتی لبنان، چه از نظر قانونی و حقوق اساسی و چه از نظر سیاسی، یک نمونه خاص از سیستم‌های لیبرالی است که از نظام سیستم غربی در توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی متعادل برخوردار بوده و بیشتر متأثر از سیستم لیبرالی فرانسه است البته به دلیل دوگانگی که بین مسلمانان و مسیحیان وجود دارد؛ هر کدام سعی کرده‌اند از کشور با کشورهایی تأثیرپذیر باشند، مسلمانان بیشتر از کشورهای عربی؛ اسلامی و مسیحی‌ها از کشورهای غربی تأثیر می‌پذیرفتند هرچند که نظام لیبرالی در اکثر کشورهای عربی شکل نگرفته است، لیکن یک نظام موجه و خاص که با عرف و طبیعت این کشورها بیشتر سازگار بوده، ایجاد شده است، اما دلیل عدم استقرار یک نظام قانونی پایدار و محکم در لبنان (تا سال ۱۹۷۵) اختلافات طایفه‌ای بوده است.

قانون اساسی لبنان دارای منابع شکلی و ماهوی به شرح زیر است:

منابع شکلی عبارتند از:

- سند قیومیت اولین منبع قانون اساسی لبنان به حساب می‌آید.
- گزارش سال ۱۹۲۴، فرانسه در مقر سازمان ملل در ژنو
- کمیسیون بول - نیکور در فرانسه
- کمیسیون قانون اساسی در مجلس نمایندگان در لبنان
- استفتای بعضی شخصیت‌ها در ارتباط با قانون اساسی
- مصوبات قانون اساسی در مجلس موسسان

اما منابع ماهوی به طور خلاصه عبارتند از:

دولت‌های تازه استقلال یافته از نظام حقوقی سیاسی غرب تأثیرپذیر بودند و از قوانین اساسی کشورهای غربی که دارای قوانین دموکراسی بودند الهام می‌گرفتند، اما به خاطر ارتباط تاریخی که بین دو کشور (فرانسه و لبنان) وجود داشت و اثری که فرهنگ فرانسه در بین نخبگان لبنان دارد که به سابقه قیومیت آن کشور بر لبنان بر می‌گردد قانون اساسی فرانسه، منبع اصلی قانون اساسی لبنان بود که با توجه به توضیحات فوق این امر طبیعی بود. قابل ذکر است علاوه بر تأثیرپذیری اصلی قانون اساسی لبنان از قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۸۷۵، قانون اساسی این کشور از قانون اساسی بلژیک مصوب ۱۸۳۱ و قانون اساسی مصر مصوب ۱۹۲۳ تأثیر پذیرفته است، از دیگر منابع قانون اساسی لبنان، می‌توان سیستم طایفه‌ای و فرقه‌ای می‌باشد. (مواد ۹ و ۱۰ و ۹۵)

<sup>۱۱</sup> - Mandatory Power

## منابع حقوق در لبنان

لبنان در طول چهار قرن که زیر سلطه عثمانی‌ها قرار داشت و در مدت ۲۵ سالی که تحت نفوذ و قیمومیت فرانسه بود دارای بافت جمعیتی با هجده فرقه مذهبی یا طایفه مذهبی شد و بر این اساس و به همین علت، دارای یک نظام حکومتی فرقه‌گرایی<sup>۱۲</sup> یا طایفه‌گرایی است منابع حقوقی آن در حال حاضر عبارت است از قانون عثمانی؛ قانون فرانسه؛ حقوق اسلام و شریعت؛ حقوق کلیسایی و قوانین موضوعه و سیستم طایفه‌ای و فرقه‌ای که به شرح ذیل به بررسی آن می‌پردازیم:

### ۱- قانون عثمانی - حقوق اسلامی و احکام دادگستری

اکثر جمعیت‌های امپراتوری عثمانی تابع دین مبین اسلام و منبع قانون، در حاکمیت امپراتوری حقوق اسلامی (البته فقه حنفی از مذهب اهل سنت) بود.

<sup>۱۲</sup> - در مجموع هجده طایفه یا فرقه در لبنان وجود دارد که هفت‌تای آن بزرگتر و مابقی کوچک و ناچیزند. در مورد شمار واقعی افراد طوایف لبنانی آمار دقیقی در دست نیست؛ زیرا حساسیت‌های طایفه‌ای و امتیازهای سیاسی مانع از آن می‌شود که دولت سرشماری کند و اگر دولت تخمینی از جمعیت طوایف داشته باشد؛ هرگز به صورت رسمی آن را اعلام نمی‌کند. مهاجرت لبنانی‌ها به خارج بسیار شدید است و آمار لبنانی‌های ساکن خارج چند برابر لبنانی‌های داخل است که اغلب آنها تابعیت کشورهای دیگر را گرفته‌اند و حتی دارای مسئولیت‌های بالایی هستند برخی آمار غیررسمی در این باره، حاکی است که در ازای حدود چهار میلیون جمعیت کنونی لبنان، بین پانزده تا بیست میلیون نفر لبنانی، در خارج زندگی می‌کنند. در حدود ۱۱ میلیون لبنانی در کشور برزیل زندگی می‌کنند، حتی نمایندگانی از لبنانی‌ها در مجلس برزیل حضور دارند تقریباً اقتصاد آفریقا دست لبنانی‌هاست. در قضیه قتل کابیل رییس جمهور کنگو، قتل او را به ۱۱ نفر لبنانی که در کنگو مشغول تجارت الماس بودند، نسبت دادند و دولت کنگو آن‌ها را به قتل رسانید، از قرار معلوم اسرائیلی‌ها از کابیل خواسته بودند که تجارت الماس را از دست لبنانی‌ها بگیرد در سال ۱۹۲۱ پس از سقوط دولت عثمانی و شروع استعمار فرانسه، فرانسوی‌ها کوشیدند امتیازهای اقتصادی، سیاسی و قانونی را به مسیحیان مارونی بدهند. در همین چهارچوب فرانسه پس از پذیرفتن استقلال لبنان، حقوق سیاسی زیادی را به مسیحیان داد که از آن جمله، اختصاص سمت ریاست جمهوری برای این طایفه را می‌توان نام برد. مارونی‌ها در مجلس لبنان اکثریت را در اختیار داشتند که این تعداد در برخی زمان‌ها به نسبت هفت به پنج یا پنج به چهار بوده بر اساس نظام امتیازاتی طایفه‌ای فرانسه، سنی‌ها سمت نخست وزیری و شیعیان سمت ریاست مجلس را در اختیار گرفتند که این تقسیم‌بندی ناعادلانه و ناهق و در عین حال برخلاف دموکراسی است. اینجانب در مباحث حقوقی که در دانشگاه لبنان انجام می‌شد همیشه این موضوع را متذکر می‌شدم که این تقسیم‌بندی برخلاف دموکراسی است، چه بسا که یک فرد غیر مارونی لیاقت و شایستگی ریاست جمهوری را داشته باشد و همین‌طور برای ریاست سایر قوا این امر امکان‌پذیر است. اما این تقسیم بندی مانع از احراز آن توسط شخص مذکور می‌شود و این امر خلاف دموکراسی است. پس از جنگ‌های داخلی لبنان در نشست طایف عربستان که در سال ۱۹۹۱، برگزار شد مسیحیان لبنان پذیرفتند از بخشی از امتیازهای سیاسی خود به سود مسلمانان چشم‌پوشی کنند که از جمله می‌توان به کاهش دلمنه اختیارات رییس جمهور و تبدیل مرکز اصلی تصمیم گیری از کاخ ریاست جمهوری به دولت اشاره کرد. همچنین مقرر شد شمار کرسی‌های متعلق به نمایندگان مسیحی و مسلمان در مجلس برابر باشد البته این تقسیم‌بندی امتیازها، باز هم عادلانه نیست، زیرا جمعیت مسلمانان لبنان بیشتر از مسیحیان و طایفه شیعہ بزرگترین طایفه لبنان است. به تازگی در این باره اخیراً گزارشی منسوب به کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا منتشر شد که در آن تأکید شده است: شیعیان لبنان بزرگ‌ترین طایفه این کشور هستند. در این گزارش ترکیب جمعیت طوایف لبنان بدین قرار است:

۱- شیعه: یک میلیون و ۱۹۲ هزار نفر؛ برابر ۲۳ درصد کل جمعیت لبنان

۲- سنی: ۷۰۰ هزار نفر؛ برابر ۲۰ درصد کل جمعیت لبنان

۳- مسیحی مارونی ۶۶۶ هزار نفر؛ برابر با ۱۹ درصد کل جمعیت لبنان

۴- مسلمان دروز (فرقه‌ای از شیعه به تعبیر خودشان)؛ ۲۸۰ هزار نفر؛ برابر ۸ درصد کل جمعیت

زمانی که حقوق شریعت اسلامی؛ به شکل قانون منون درنیامده بود و امور قضایی امپراتوری براساس قرآن؛ سنت و اجماع رتق و فتق می‌شد، غرب از قبل با حقوق مدنی آشنایی داشت و دولت‌های غربی مجموعه از قوانین رسمی را منتشر کرده بودند.

در نتیجه امپراتوری عثمانی؛ تحت تاثیر این تحول و رشد قانونی غرب قرار گرفت و در وضع و تدوین قوانین، همان راه را دنبال کرد و در پی آن قوانینی را که از قانون آیین دادرسی کیفری؛ مدنی و قوانین متفرقه دیگر از قبیل قوانین اداری؛ شهرداری؛ پلیس؛ زندان‌ها و سایر قوانین مورد نیاز را در مجموعه‌ای به نام "الدستور" یا قانون اساسی جمع‌آوری شده بود، منتشر کرد.

## ۲- قانون فرانسه

از دیگر منابع قانون در لبنان قانون اساسی فرانسه است. حضور مسیحیان در لبنان و ارتباط مستحکمی که بین آن‌ها و فرانسه وجود دارد؛ بر اهمیت موضوع افزوده است؛ در لبنان رییس جمهور فرانسه را رییس جمهور سایه لبنان می‌دانند؛ لذا به همین خاطر و به علت داشتن تابعیت فرانسوی، تعداد زیادی از لبنانی‌ها که بیشتر مسیحی هستند، در انتخابات فرانسه شرکت می‌کنند و به کاندیدای مورد نظرشان رای می‌دهند. پس از جدایی لبنان از امپراتوری عثمانی و پس از جنگ جهانی اول؛ دولت قیم فرانسه با همکاری دولت محلی؛ وضع و تصویب قوانین عمومی؛ خصوصی و فرامین تقنینی را شروع کرد که بیشتر براساس قوانین فرانسه یا اروپا بود که از جمله می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد.

الف- قانون مالکیت بر زمین

ب- قانون تعهدات و قراردادها؛ پیش‌نویس این قانون را استاد «لوپیس ژوسران» رییس دانشکده حقوق دانشگاه لیون فرانسه، تهیه کرد. این پیش‌نویس را هیات قانونگذاری لبنان؛ مورد بررسی و تجدید نظر قرار داد و پس از آن مجلس نمایندگان لبنان آن را تصویب کرد.

ج- قانون آیین دادرسی مدنی؛ پیش‌نویس این قانون را مانند قانون قبلی، حقوقدانان فرانسه تهیه کردند و در مجلس نمایندگان لبنان تصویب شد.

د- قانون تجارت؛ پیش‌نویس این قانون را نیز اساتید و حقوقدانان فرانسه تهیه کرده بودند. به موجب این قانون؛ قانون تجارت عثمانی و قوانین مربوط به چک؛ شرکت‌های سهامی، تشریفات مربوط به ورشکستگی و تصفیه قضایی منسوخ اعلام شد.

## ۳- مصوبات قوه مقننه لبنان

الف- قوانین مدنی جزایی و قوانین خاص؛

هرچند بعد از نوامبر ۱۹۴۳، لبنان از قیمومیت فرانسه خارج و به صورت جمهوری مستقلی درآمد بود اما قوه مقننه لبنان همچنان روی حقوق فرانسه تکیه داشت. قانون جزا، نخستین قانونی بود که توسط حقوقدانان؛ و قضات و اساتید حقوق لبنان تهیه شده و بر منابع خاصی تکیه نداشت و بر اثر تحقیق و مطالعاتی که روی قوانین پیشرفته جهان صورت گرفته بود، تدوین شد.

قانون آیین دادرسی کیفری برای اولین بار در سپتامبر ۱۹۴۸ توسط حقوقدانان لبنانی تهیه و مورد تصویب قرار گرفت، همچنین قانون کار هم از جمله قوانینی بودند که توسط لبنانی‌ها پیش‌نویس شد و مورد تصویب قرار گرفت.

ب- قوانین دیگری هم در اثر حوادث ۱۹۷۵ تصویب شد که از جمله می‌توان به روابط بین کارگر و کارفرما، مالک و مستاجر و ... اشاره کرد.

ج- حقوق کلیسایی و شریعت: جمهوری لبنان با توجه به این که کشور کوچکی است، سه مذهب مهم در آن وجود دارد که عبارتند از: مسیحیت؛ اسلام و یهود. این مذاهب به هجده (و حتی بیشتر) فرقه و جامعه مذهبی تقسیم می‌شوند و هر کدام تابع مقرراتی هستند. علاوه بر محاکم حقوقی، کیفری و اختصاصی اداری، نظامی و کار، یک دادگاه مذهبی برای هر یک از فرقه‌های مذهبی وجود دارد، این دادگاه نسبت به احوال شخصیه صلاحیت دارد. مسلمانان سه دادگاه مذهبی و مسیحیان نیز دارای تعدادی دادگاه مذهبی هستند. یهودیان یک دادگاه.

بیشتر مقررات احوال شخصیه، تا کنون تدوین نشده و به صورت قوانین رسمی درنیامده است. اصل نهم قانون اساسی<sup>۱۳</sup> لبنان تقسیم‌بندی این کشور را به مذاهب رسمی پذیرفته و مقرر می‌دارد؛ دولت لبنان احترام به احوال شخصیه و منافع دینی کلیه اتباع را صرف‌نظر از مذهب آن‌ها، تضمین می‌کند. پیروان اهل سنت دارای محاکم شریعت براساس مذهب حنفی هستند که هنوز قوانین خانواده عثمانی را اعمال می‌کنند. پیروان مذهب شیعه هم دارای محاکم شریعت براساس فقه جعفری هستند که این محاکم نیز هنوز آن قسمت از مقررات حقوق خانواده عثمانی را که منطبق با فقه جعفری است، اعمال می‌کنند.

به همین صورت یازده فرقه مسیحی لبنان نیز دارای محاکم مذهبی خاص خود هستند که در امور احوال شخصیه صلاحیت رسیدگی را دارند. علاوه بر مقرراتی که در جامعه مذهبی مربوط به احوال شخصیه و آیین دادرسی دادگاه‌ها وجود دارد، دولت لبنان در مارس ۱۹۲۹ قانون "وصایا" و در ژوئن ۱۹۵۹، قانون وراثت برای غیر مسلمان‌ها را تصویب کرد. این قانون، تساوی در ارث بین زن و مرد را برقرار کرد. همچنین قوانین مربوط به صلاحیت محاکم کلیسایی جوامع مسیحی نیز تصویب شده است.

در مباحث زیر به بررسی شکل حکومت و اختیارات مندرج در قانون اساسی لبنان می‌پردازیم:

## ۱- قانون اساسی لبنان

بعد از قانون اساسی مشروطه (مصوب ۱۹۰۶) در ایران که به علت انقلاب اسلامی نسخ شده قانون اساسی لبنان (مصوب ۱۹۲۶) قدیمی‌ترین قانون اساسی خاورمیانه است.<sup>۱۴</sup>

در مباحث پیش، بیان شد که پس از پایان جنگ جهانی اول، اشغال لبنان توسط بریتانیا و فرانسه آغاز شد و شورای عالی متحدین، در آوریل ۱۹۲۰ رسماً قیمومیت سوریه و لبنان را به فرانسه واگذار کرد. حاکم فرانسوی لبنان، از طرف دولت آن کشور تعیین شد و کمیته مشورتی به اسم "کمیته اداری لبنان بزرگ حاکمان فرانسوی

<sup>۱۳</sup>- اصل نهم: دولت کلیه ادیان و مسلک‌ها را محترم می‌شمارد و حمایت از برگزاری آزادانه آیین‌های مذهبی را تضمین می‌کند.  
<sup>۱۴</sup>- بعد سقوط دستور ایرانی لعام ۱۹۰۶ اثر الثورة الإسلامية، أصبح الدستور اللبناني الصادر فی ۲۳ أيار ۱۹۲۶ أقدم دستور دول الشرق الأوسط. دکتر زهیر شکر، الوسيط فی القانون الدستوري، مرجع السابق ص ۱۵۰.



لبنان را یاری می‌کرد. بعدها این کمیته به یک شورای نمایندگی با سی عضو و برای مدت چهار سال تبدیل شد و به حاکمیت مشورت می‌داد. ماده اول قرارداد قیومیت در سال ۱۹۲۳ دولت را ملزم کرد که ظرف سه سال برای سوریه و لبنان، قانون اساسی وضع کند. تلاشهای صورت گرفته توسط حقوقدانان فرانسوی برای تهیه قانون اساسی موفقیت‌آمیز نبود. بعد از گذشت چند سال از این وضعیت؛ هیاتی مرکب از یازده عضو شورای نویسندگان تشکیل شد تا پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کند، این هیات پس از مشورت با سازمان‌های رسمی رهبران مذهبی و رجال بلند پایه و مسئولان معروف، پیش‌نویس قانون اساسی را آماده کرد. این قانون بعد از بررسی‌های لازم، توسط شورای نویسندگان تصویب شد و در مه ۱۹۲۶ مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است قانون اساسی جدید، نظام جمهوری پارلمانی را پذیرفت. اعلامیه حقوق بشر در قانون اساسی؛ مستقیماً از اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه الهام گرفته است. سازماندهی مقامات و تشکیلات دولتی در کشور لبنان؛ براساس قانون اساسی فرانسه صورت گرفته است.

بعد از تغییراتی که در قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ به‌وجود آمد بر اساس قانون بنیادین مصوب ۱۹۹۰/۹/۲۱ لبنان جمهوری دموکراتیک و پارلمانی اعلام شد. قانون اساسی لبنان دارای ۱۰۲ اصل و شش فصل است که هر فصل آن به مبحث‌های زیر تقسیم می‌شود:

فصل اول: مقررات بنیادین

مبحث نخست: دولت و سرزمین

مبحث دوم: مردم لبنان؛ حقوق و وظایف آنان

فصل دوم: قوا

مبحث نخست: مقررات کلی

مبحث دوم: قوه مقننه

مبحث سوم: مقررات کلی (مربوط به مجلس نمایندگی).

مبحث چهارم: قوه مجریه

فصل سوم: عنوان ندارد

الف- انتخاب رییس جمهور

ب- بازنگری قانون اساسی

ج- عملکرد مجلس

فصل چهارم: مفاد مختلف

الف- دیوان عالی

ب- تأمین منابع مالی

فصل پنجم: مقررات مربوط به دولت نماینده و جامعه ملل

در این فصل اصول ۹۰ تا ۹۴ توسط قوانین بنیادین منسوخ اعلام شد.

فصل ششم: مقررات نهایی و انتقالی

قانون اساسی لبنان در اصل هفتم خود، برابری مردم لبنان در برابر قانون و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی یکسان را برای آن‌ها تضمین کرده است.<sup>۱۵</sup>

همچنین آزادی‌های شخصی، به عنوان یک اصل کلی همه گروه‌های مردم لبنان را به رسمیت شناخته و بر آن تأکید دارد. آزادی مطلق عقاید را مورد توجه قرار داده و تکریم به تمامی ادیان را محترم شمرده است و نسبت به آزادی گردهمایی‌ها و تشکیل و برپایی آیین‌های مذهبی و سیاسی و ... اهتمام ورزیده است در قانون اساسی لبنان به خصوص بعد از اصلاحیه ۱۹۹۰، یک سری اصول مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از:

- ۱- حکومت لبنان جمهوری دموکراتیک و پارلمانی است.
- ۲- مردم منشأ قدرت بوده و دارای حاکمیت هستند.
- ۳- نظام موجود بر پایه اصل تفکیک قوا؛ توازن و همکاری میان آن‌ها استوار است.
- ۴- نظام اقتصادی آزاد است و مالکیت خصوصی را تضمین می‌کند.
- ۵- از میان برداشتن مذهبی‌گری سیاسی و فرقه‌ای هدف اصلی، ملی است.
- ۶- اعطای حق بازنگاری قانون اساسی به رئیس جمهور و مجلس نمایندگان

### مهم‌ترین اصلاحیه‌های قانون اساسی لبنان:

سه اصلاحیه از قانون اساسی لبنان در سال‌های تحت قیمومیت فرانسه صورت گرفت و سه اصلاحیه هم در زمان استقلال صورت گرفت. از این اصلاحات چهار مورد دایمی و دو مورد موقت<sup>۱۶</sup> بود:

- ۱- اصلاحیه ۱۹۲۷، که بر اساس آن، مجلس سنا لغو و نظام پارلمانی یک مجلس جایگزین آن شد.<sup>۱۷</sup>
- ۲- اصلاحیه ۱۹۲۹، که بر اساس حاکم وقت لبنان با اسم هنری بوسنو و تمایل فرانسه صورت گرفت.
- ۳- اصلاحیه ۱۹۳۹، دوره ریاست جمهوری را از سه سال به شش سال افزایش داد و حق انتخاب وزرا از غیر اعضای مجلس به رئیس جمهور داده شد.
- ۴- اصلاحیه ۱۹۴۳، که قیمومیت را از میان برداشت و زبان عربی را به عنوان زبان رسمی کشور معرفی کرد.
- ۵- در سال ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ یک سری تعدیلات در قانون اساسی در خصوص استقلال لبنان انجام شد.
- ۶- اصلاحیه نهم دسامبر ۱۹۴۳ که به موجب آن پرچم ملی کنونی به عنوان پرچم ملی پذیرفته شد.
- ۷- اصلاحیه ۱۹۹۰/۹/۲۱ در طایف عربستان که موجب تغییرات ریشه‌ای در سیستم حکومتی لبنان شد که در بحث‌های آینده به آن پرداخته خواهد شد.

<sup>۱۵</sup>- البته تاکنون این اصل در عمل اتفاق نیفتاده است و کاملاً نابرابری در بین مردم لبنان به خوبی مشاهده شده و قابل لمس است. از توزیع ثروت گرفته تا مسئولیت‌های سیاسی؛ قانونی؛ عمران؛ آبادانی و سایر امور دیگر که همچنان فرقه‌گرایی و افکار گذشته حاکم است. اصل هفتم قانون اساسی لبنان می‌گوید: تمامی مردم لبنان درقبال قانون با هم برابر هستند. آن‌ها همچنین از حقوق مدنی و سیاسی یکسان برخوردار بوده و به یک میزان مسئولیت‌ها و وظایف عمومی را بدون هیچ تبعیضی عهده دارند. اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی ایران نیز برخورداری مردم از حقوق مساوی را مورد تأکید قرار داده است. همچنین اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون را به رسمیت شناخته است.

<sup>۱۶</sup>- دکتر زهریر شکر، الوسيط فی القانون الدستوری لبنان، دارالجامعیه، بیروت، ص ۲۰۰۱.

<sup>۱۷</sup>- دکتر. احمون رباط التکون التاريخی للبنان السياسي والدستوری ص ۳۷۹، اختلافی که بین دو مجلس وجود داشت موجب فلج شدن دولت شده بود و نمی‌توانست فعالیت کند، لذا اصلاح قانون اساسی ضرورت پیدا کرده و به همین خاطر مجلس سنا در مجلس نمایندگان ادغام شد.

## چگونگی وضعیت سیستم قانونی لبنان قبل و بعد از اصلاحیه اخیر قانون

### اساسی در سال ۱۹۹۰

#### اول: قبل از اصلاحیه

اکثریت سیاسیون و متفکران لبنان بر این اعتقاد هستند که سیستم حقوقی لبنان تا سال ۱۹۹۰ یک نظام دموکراسی پارلمانی بوده است، به اعتبار آن که قانون اساسی در ماده ۱۸۶۶ بر مسئولیت حکومت در مقابل پارلمان و در ماده ۵۵ بر اختیار رییس جمهور در انحلال پارلمان تأکید دارد. چنانچه بپذیریم که نظام قانون اساسی لبنان براساس قانون اساسی ۱۹۲۶ متمرکز بوده شاید از نظر علمی صحیح نباشد؛ زیرا در این سیستم حقوقی، وضعیت دیگری نیز وجود دارد و آن وجود صیغه طایفه‌ای و فرقه‌ای است که تبدیل به فرقه‌گرایی سیاسی شده است بنابراین می‌توانیم بگوییم که سیستم پارلمانی که در لبنان وجود داشته به طور کامل با سیستم‌های معروف پارلمانی دنیا متفاوت بوده است.

از مبانی نظام‌های پارلمانی، دو رکنی بودن قوه مجریه است شامل رییس دولت (که بیشتر تشریفاتی بوده و قدرت حکمرانی ندارد) و دولت (که حکومت می‌کند) است؛ لذا مسئولیت اجرایی بر عهده دولت است و در نتیجه دولت در مقابل پارلمان، مسئول کلیه اعمال خود است.<sup>۱۸</sup>

آقای دکتر زهیر شکر<sup>۲۰</sup> در این زمینه می‌گوید؛ درست است که در بعضی دولت‌های دارای نظام پارلمانی؛ رییس جمهور در اداره امور سیاسی به همراه هیات وزیران در حکومت مشترک است؛ اما قانون اساسی لبنان در ماده ۲۱۷ خود اعمال قوه مجریه را به رییس جمهور با کمک وزرا سپرده که این وضعیت در سیستم‌های پارلمانی یک حالت خاص و منحصر به فرد است. چرا که در قانون اساسی لبنان حکومت یا همان هیات دولت، به عنوان یک نهاد قانونی؛ دارای وجود مستقل که خارج از رییس جمهور باشد برخوردار نبوده است و رییس حکومت یا همان نخست وزیر اختیارات قانونی خود را ندارد، به غیر از این که در بعضی قوانین، اختیارات و مسئولیت‌هایی به او واگذار شده است.

<sup>۱۸</sup> - ماده ۶۶ قانون اساسی لبنان؛ وزیران در قبال مجلس نمایندگان، به طور مشترک در خصوص سیاست‌های محلی دولت و به طور ضروری در خصوص امور شخصی خود مسئول هستند اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رییس جمهور و مجلس هستند و در اموری که به تصویب هیات وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

<sup>۱۹</sup> - من مبادی النظام البرلمانی وجود ثنائیه علی صعيد السلطه التنفیذیه تتمثل فی رییس دوله یملک و لا یحکم و حکومت و تحکم و تکون مسئوله عن اعمالها امام البرلمان. من خصایص النظام البرلمانی ان تتجسد فیه السلطه الاجرائیه بمضوین مختلفین وضمها القانونی؛ عضو مستقر و هو رییس الدوله، ام رییس الجمهوریه و عضور جماعی هو الوزاره او الحكومه، التي مرتبطا بقاعها بالسلطه بتمتها بقه البرلمان

<sup>۲۰</sup> - رییس کنونی دانشگاه لبنان و استاد حقوق اساسی.

<sup>۲۱</sup> - ماده ۱۷ کانت تیط السلطه الاجرائیه فیه و هو یتولها بمعاونة الوزرا، آقای دکتر رباط در کتبی که تحت عنوان حقوق اساسی لبنان و در سال ۱۹۸۲ به زبان فرانسه به چاپ رسانده، معتقد است که کلمه معاونه ترجمه کلمه Assistance و نه ترجمه کلمه Collaboration و لذا با هم همکاری می‌کنند که هر کدام در حوزه کاری خود در قوه مجریه اعمال مسئولیت می‌کند. بری دکتر رباط ان کلمه معاونه، و هی ترجمه کلمه Assistance و لیس کلمه collaboration و ان الفرق بینهما واضح، فالمعاونه تفترض الخضوع، بینما یفترض التعاون وجود مجال محدود من الاختصاص یمارسه کل من فی السلطه الاجرائیه. اما در ماده ۱۷ قانون اساسی لبنان در اصلاحیه اخیر خود اعمال قوه مجریه را از رییس جمهور گرفته و به شورای وزیران واگذار کرده است.

از دیگر خصوصیات سیستم حقوقی لبنان در قانون اساسی سابق، مسئول بودن دولت (حکومت) در مقابل رییس جمهور است زیرا ماده ۵۳ به رییس جمهور، حق تعیین و برکناری وزرا را می‌داد.<sup>۳۲</sup> در حالی که از خصوصیات یک سیستم یا نظام پارلمانی، این است که حکومت صرفاً در مقابل پارلمان مسئول باشد و مادامی که از اعتماد پارلمان برخوردار است رییس جمهور حق برکناری آن را ندارد برای مثال در فرانسه علی‌رغم این که از نظام ریاستی برخوردار است یا از مظاهر نظام ریاستی برای نظام پارلمانی محسوب می‌شود رییس جمهور حق برکناری دولت را ندارد.<sup>۳۳</sup>

از نشانه‌های قواعد نظام پارلمانی، این است که به قوه مجریه اختیار انحلال پارلمان داده شود، البته قوانین اساسی چگونگی اعمال این حق را تنظیم می‌کنند، ضوابطی برای آن قرار می‌دهند تا این که شمشیر برنده‌ای برای تسلط بر پارلمان نباشد. قانون اساسی کنونی فرانسه، اجازه اعمال این حق را بیشتر از یک بار در سال نداده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق انحلال پیش‌بینی نشده و قوه مجریه حق انحلال ندارد. البته عده‌ای معتقدند که رهبری به استناد اصل ۱۱۰ می‌تواند این حق را اعمال کند که البته بعید می‌دانم با توجه به پایگاه مردمی نمایندگان مجلس، رهبری خود را در مقابل مردم قرار دهد و مجلس را منحل کند. البته این بحث نیاز به بررسی مفصلی دارد که مجال آن در این‌جا نیست و باید در بحثی جداگانه به آن پرداخته شود.

در ایتالیا رییس جمهور در شش ماهه آخر دوره ریاستش حق انحلال پارلمان را ندارد و هر گاه این حق را اعمال می‌کند، براساس پیشنهاد دولت است نه اینکه خود به طور مستقیم اقدام به این کار کند. اما در لبنان اختیار رییس جمهور برای انحلال پارلمان مطلق و بدون هر گونه قید و شرطی است به غیر از موافقت دولت که این موافقت هم یک حکم شکلی است، مادامی که دولت براساس قانون اساسی تبعیت از رییس جمهور می‌باشد. به همین دلیل بعضی از حقوقدانان و متفکرین، نظام حکومتی لبنان را در زمره نظام‌های ریاستی به حساب می‌آورند و نه پارلمانی. البته این امر درست نیست. چرا که در نظام‌های ریاستی، پارلمان اختیارات خود را بدون هیچ‌گونه نظارتی از طرف قوه مجریه اعمال می‌کند و قوه مجریه هم حق انحلال پارلمان را ندارد؛ اما در لبنان پارلمان تحت نظارت رییس جمهور بود که در این خصوص می‌توان به نظام ریاستی آمریکا اشاره کرد. کنگره آمریکا (دارای نظام سیاسی ریاستی است) از آن‌چنان اختیاراتی برخوردار است که قانون اساسی این کشور آن را متوازن با رییس جمهوری قرار داده است، ولی در لبنان پارلمان در واقع مجری سیاست‌های رییس جمهور بود. پس نتیجه می‌گیریم که نظام حکومتی لبنان ریاستی نبوده و نیست.

بنابر آن‌چه که بیان شد، سیستم حکومتی لبنان براساس قانون اساسی، یک نظام پارلمانی خاص بوده و نشأت گرفته از اختیارات مهمی بود که قانون اساسی به رییس جمهور داده بود و می‌توان گفت که این نظام شبیه نظام‌های پارلمانی است که در اوایل قرن ۱۹ وجود داشته است؛ به خصوص در فرانسه در زمان ملکه لویس — فلیپ اولریان سال ۱۸۳۰ و در بلژیک و مصر. استناد دوم برای این امر نظام طایفه‌ای بوده که اجازه داده است

<sup>۳۲</sup> این ماده بر گرفته از قانون اساسی سال ۱۹۲۳ مصر و قانون اساسی سال ۱۸۳۰ بلژیک بوده است.

<sup>۳۳</sup> در ایتالیا هم رییس جمهور حق عزل و برکناری دولت را ندارد و دولت صرفاً در مقابل پارلمان مسئول است. البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۳۲ قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۸، وزیران فقط در مقابل مجلس مسئول بودند ولی در اصل ۱۳۲ بعد از اصلاح بیان می‌دارد هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رییس جمهور و مجلس است. ففی فرنسا مثلا، و بالرغم من المظاهرالریاسیه للنظام البرلمانی، مغانه لایحق لرییس الجمهوریه اقاله الحکومه.

رییس جمهور بزرگ‌ترین و بیشترین نقش را در کشور داشته باشد؛ حتی بیش از آن‌چه که قانون اساسی برای او تعیین کرده است؛ لذا نظام و سیستم طایفه‌گری از زمان استقلال لبنان بعد از ۱۹۲۰ تا آخرین اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ سایه و هیمنه رییس جمهور را آن‌هم از طریق هیمنه سیاسی که از طرف طایفه مارونی در داخل نهادها و موسسات قانونی لبنان وجود داشته است بر تمامی امکانات دولت قرار داده بود.

### چگونگی سیستم حقوقی لبنان بعد از اصلاحیه اخیر قانون اساسی

اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ منجر به یک سری تغییرات ریشه‌ای در بعضی مواد قانونی آن شد به خصوص تعیین چهارچوب اختیارات و صلاحیت قانونی، برای نظام دولتی لبنان و نهادهای دولتی و تنظیم روابط بین آن‌ها بر اساس یک تصویر مخصوص، تصویری که بر گرفته از واقعیت‌های سیاسی و تجربی پارلمانی لبنان بود؛ تجربه‌های خوب و بدی که تا آن سال ۱۹۹۰ در فضای سیاسی قانونی کشور لبنان اجرا شده بود.

معاهده طایف چهار عنوان اساسی را دربرگرفت و بر آن تاکید کرد که به شرح زیر است:

۱- اصول اساسی جوهری اصلاحات

۲- گسترش حاکمیت ملی

۳- آزادی لبنان از اشغال اسرائیل

۴- روابط لبنان - سوریه

منظور از اصول اساسی و جوهری اصلاحات (المبیدی العامه) اموری است که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

براساس اصول غالب و بنیادی قوانین اساسی، اصلاحیه قانون اساسی سال ۱۹۹۰ مقدمه‌ای را بر قانون اساسی وارد و یک سری اصول اساسی برای نظام حقوقی لبنان تعیین کرد. هم‌چنین یک سری اختیارات ملی را تضمین کرد. از جمله امور زیر:

۱- لبنان وطن و خواستگاه ملی، آزاد، مستقل و وطن اصلی برای تمام فرزندان لبنان<sup>۲۴</sup> است.

۲- تاکید بر اصولی که نظام حقوقی لبنان بر آن تثبیت شده، به اعتبار این‌که نظامی است پارلمانی که براساس تفکیک قوا، توازن و همکاری میان آن‌ها استوار است و نظامی است دموکراسی که بر آزادی‌های عمومی و فردی تاکید دارد. و نظامی اجتماعی است و از نظر توسعه و پیشرفت، به عدالت اجتماعی در توسعه و رشد متوازن برای همه مناطق مختلف لبنان ایمان دارد.

۳- تاکید بر هویت لبنانی، به عنوان یک کشور عربی و یکی از موسسین و بنیانگذاران فعال جامعه عربی و پایبند به اصول آن به شمار می‌رود. این تاکید به عربی بودن، برای اولین مرتبه است که به صورت واضح، روشن و قاطع ذکر شده، چرا که در گذشته دور تاکنون عربی بودن لبنان، بین لبنانی‌ها به خصوص میان مسلمانان و مسیحیان مورد جدل بود.

این جدل از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۹۰ بین لبنانی‌ها ادامه داشت مسلمانان بر عربی بودن لبنان تاکید داشتند ولی مسیحیان آن را رد می‌کردند زیرا می‌ترسیدند که در محیط اسلامی و عربی بزرگ محو شوند. اصلاحاتی که

<sup>۲۴</sup> - نفس الصیباغه تقریباً وردت فی وثیقة الإمام موسی صدر، ثم فی مؤتمر جنیف (تشرین الثانی ۱۹۸۳) و فی برنامج حکومت الوحده (یار ۱۹۸۳) و فی الاتفاق الثانی (کانون الثانی ۱۹۸۵)

صورت گرفت عبارت بود از: ۱- تغییر نقش رئیس جمهور، ماده ۱۷ سابق قوه مجریه را در اختیار رئیس جمهور قرار داده بود که به کمک وزرا آنرا اداره می‌کرد. ولی با اصلاح قانون اساسی گام مهمی که برداشته شد عبارت بود از انتقال قوه مجریه از رئیس جمهور به هیأت دولت. ماده ۵۳ قانون اساسی سابق تعیین و برکناری وزرا را در اختیار رئیس جمهور قرار داده بود و اختیار انتخاب نخست وزیر از بین وزرا در دست رئیس جمهور بود. اما علی‌رغم اینکه در قانون اساسی ۱۹۴۳ ذکر شده که رئیس جمهور در زمینه تشکیل کابینه با مجلس مشورت کند. ولی این امر تشریفاتی شده بود و نقش و اختیار رئیس جمهور را کم نمی‌کرد اگر هم بعضاً مشورت می‌کرد الزامی برای اجرای آن نداشت. ۲- تثبیت ریاست مجلس نمایندگان برای مدت چهار سال ۳- سلب اختیار دولت به صورت عملی و سریع در انحلال مجلس. ۴- تفسیر متن ماده ۵۸ که اجرای آنرا مرتبط به اراده و خواست رئیس مجلس قرار می‌دهد. ۵- تثبیت و توسعه اختیارات نخست وزیر رعایت انصاف و تساوی در کرسی‌های نمایندگی بین مسلمانان و مسیحیان. به استناد ماده ۹۵ قانون اساسی. ۶- ایجاد و تاسیس شورای قانون اساسی لبنان.<sup>۲۵</sup>

اما از جهت ارتباط بین قوای مقننه و مجریه در نظام‌های پارلمانی و علی‌رغم تسلط پارلمان از نظر تئوری، به‌خاطر نظام حزبی که وجود دارد و تسلطی که حکومت بر اکثریت نمایندگان دارند پارلمان از حکومت تبعیت می‌کند، اما در لبنان و پس از این که حکومت به موجب اصلاحات اخیر حق مطلق را در انحلال پارلمان به غیر از حالت‌های محدود و نادر از دست داد، توازن به نفع پارلمان برقرار شد؛ چرا که بر اساس پارلمان می‌تواند هروقت که خواست حکومت را استیضاح کند و رای اعتماد خود را پس بگیرد و این امر نظام حقوقی لبنان را به نظام و سیستم مجلسی نزدیک می‌کند.

در ارتباط با قوه مجریه، قانون اساسی لبنان یک حالت دو رکنی<sup>۲۶</sup> یا دوگانه در قوه مجریه از نوع مساوی و متوازن بین رئیس جمهور و نخست وزیر را به رسمیت شناخته و مجلس الوزرا را به عنوان یک نهاد و موسسه قانونی که دارای اختیارات متعددی است، پذیرفت. از طرف دیگر قانون اساسی اختیار عزل و برکناری دولت و قوه مجریه را از رئیس جمهور گرفت. این اصلاح ریشه‌ای در مواد ۱۷ و ۵۳ قانون اساسی که در گذشته دست رئیس

<sup>۲۵</sup> - هر چند که در ادامه بحث به چگونگی و تاسیس شورای قانون اساسی لبنان خواهیم پرداخت؛ اما در حال حاضر برای اطلاع خواننده محترم توضیحی مختصر داده می‌شود: یکی از مهم‌ترین تغییرات در اصلاح قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ درج ماده ۱۹ است که در آن به اعلام تاسیس شورای قانون اساسی برای نظارت بر اجرای قانون اساسی و نظارت بر اصولمند بودن قوانین، انتخابات و اعتراضات انتخاباتی اشاره کرده است. شورای قانون اساسی لبنان از ده عضو تشکیل می‌شود که برای اصل نمایندگی طایفه‌ای بوده است. مجلس نمایندگان نصف اعضا را با رای اکثریت مطلق اعضای خود انتخاب می‌کند و هیأت وزیران نصف دیگر را با اکثریت دو سوم اعضای دولت بر می‌گزیند. مدت عضویت اعضای شورای قانون اساسی شش سال است و قابل تمدید نیست. به طور استثنا نصف اعضای اولین دوره شورای قانون اساسی بعد از سه سال تغییر می‌یابد و اعضای جانشین با قید قرعه انتخاب می‌شوند.

<sup>۲۶</sup> - در پاره‌ای از کشورها، صلاحیت‌های قوه مجریه به موجب قانون اساسی در اختیار دو رکن مختلف رئیس دولت و حکومت قرار گرفته است که این نوع سیستم و نظام را دوآلیست (Dualist) یا دو ارگانی یا الثنائیه یا دورکنی می‌نامند دوآلیست ابتدا در انگلستان معمول شد و بعدها کشورهای دیگر از آن تقلید کردند. جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی ۵۸ به قوه مجریه دوآلیست شباهت داشت لیکن در اصلاحات ۶۸ و با حذف نخست وزیر به قوه مجریه moniste مونیست یا یک رکنی و یک ارگانی تبدیل شد. دکتر قاضی در این زمینه می‌گوید قوه مجریه دو رکنی یعنی در راس یک رئیس مملکت (پادشاه یا رئیس جمهور) قرار دارد که قاعدتاً غیر مسئول است و یک رئیس حکومت (نخست وزیر) یا رئیس الوزرا که همراه با کابینه وزراء کلیه مسئولیت‌های سیاسی را بر عهده دارد.

جمهور را در تعیین و برکناری وزرا و نخست وزیر باز گذاشته بود، صورت گرفته است. این دو ماده جوهره اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰ محسوب می‌شود.

یکی از اساتید حقوق اساسی لبنان در این زمینه اظهار می‌دارد: نظام پارلمانی لبنان از نظر حقوق اساسی به نظام‌های یک رکنی moniste که منطبق با بریتانیا، اسپانیا، ایتالیا و آلمان است نزدیک‌تر است، به این خاطر که رئیس دولت در نظام‌های مجریه دورکنی یک بازیگر سیاسی است و نه یک فعال سیاسی که از اختیارات خاصی بهره‌مند باشد.<sup>۲۷</sup>

به نظر می‌رسد این قیاس، قیاس درستی نباشد، چرا که نظام‌هایی که در بریتانیا و ... وجود دارد، یک نظام و سیستم مجریه دو رکنی است نه یک رکنی، برای قوه مجریه یک رکنی می‌توان قوه مجریه آمریکا را مثال زد؛ لذا با مطالعه قانون اساسی لبنان و روشن شدن اختیارات رئیس جمهور، این چنین اظهار نظری قابل تأمل بوده و با چگونگی قوه مجریه لبنان مطابقت ندارد؛ چرا که رئیس جمهور لبنان نه مثل رئیس دولت در نظام‌های قوه مجریه دو رکنی است که بیشتر تشریفاتی باشد و نه مثل قوه مجریه یک رکنی است که از اختیارات مطلق برخوردار باشد.

### \* رئیس جمهور

#### ۱- قوه مجریه دو رکنی (یا دوگانه):

قانون اساسی لبنان، نظام دو رکنی قوه مجریه را پذیرفته است و آن را بر عهده رئیس جمهور و هیات وزیران قرار داده است، ولی اصل هفدهم قانون اساسی، اعمال قوه مجریه را به عهده کابینه یعنی رکن دوم قوه مجریه سپرده است.<sup>۲۸</sup> قبل از اصلاحیه اخیر قانون اساسی، اعمال قوه مقننه به عهده رئیس جمهور و با همکاری وزیران می‌بود که به نظر می‌رسد انحراف از قاعده کلی در نظام پارلمانی لبنان باشد.

#### ۲- انتخابات رئیس جمهور:

رئیس جمهور با رای مخفی نمایندگان برای مدت شش سال انتخاب می‌شود. رئیس جمهور نمی‌تواند مجدداً انتخاب شود؛ مگر این که شش سال از پایان آخرین دوره ریاست جمهوری او گذشته باشد. اکثریت لازم برای انتخابات، دو سوم نمایندگان در مرحله اول و اکثریت مطلق در مراحل بعدی است.

#### ۳- اختیارات رئیس جمهور:

رئیس جمهور، رئیس حکومت و نماد وحدت یک کشور است و به احترام به قانون اساسی، حفظ استقلال لبنان و وحدت و تمامیت ارضی آن طبق مفاد قانون اساسی نظارت دارد، وی ریاست شورای عالی دفاع و فرماندهی کل قوای مسلح را بر عهده دارد که خود تحت اداره شورای وزیران هستند. در امور داخلی، اختیارات رئیس جمهور، شامل روابط با پارلمان و از طرف دیگر، با کابینه و دستگاه اجرایی است. در ارتباط با پارلمان، رئیس جمهور در فعالیت‌های قوه مقننه به شکل ذیل مداخله می‌کند:

<sup>۲۷</sup> - دکتر داود الصایغ "النظام اللبناني فی ثوابته و تحولاته" بیروت ۲۰۰۰ دارالنهضت للنشر ص ۹۰

<sup>۲۸</sup> - ماده ۱۷ قانون اساسی لبنان: قوه مجریه به شورای وزیران واگذار می‌شود و این شورا طبق مفاد قانون اساسی حاضر، آن را اعمال می‌کنند. اصل ۶۵ قانون اساسی: قوه مجریه به هیات وزیران واگذار می‌شود که قوه‌ای را تشکیل می‌دهند که نیروهای مسلح تابع این قوه هستند.

در گذشته و قبل از اصلاحیه اخیر قانون اساسی، رئیس جمهور ۱- اعمال قوه مجریه را با همکاری هیات وزیران بر عهده داشت. ۲- اختیارات تعیین دولت و برکناری و عزل آن را بر عهده داشت ۳- به موجب ماده ۵۵ قانون اساسی قدیم، اختیار انحلال مجلس نمایندگان را نیز داشت تا حدی که به تعبیر بعضی‌ها مجلس نمایندگی را تابع رئیس جمهور می‌دانستند.

اما بعد از اصلاحیه سال ۱۹۹۰، تقریباً این اختیارات تنزل پیدا کرده و اعمال قوه مجریه بر عهده دولت قرار گرفت رئیس جمهور برای عزل وزیر و انحلال مجلس باید موافقت دولت را نه داشته باشد در غیر این صورت به تنهایی صلاحیت اعمال آن را ندارد؛ اما واقعیت سیاسی لبنان پیوسته نقش مهم و سیاسی را به رئیس جمهور به عنوان یکی از قطب‌های سیاسی داده است.

رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت، نمایندگی لبنان را در جمیع محافل خارجی و کشورهای خارجی برعهده دارد و این اختیارات مهم برگرفته از ماده ۸ قانون اساسی فرانسه در سال ۱۸۷۵ در زمان جمهوری سوم است. همچنین ماده ۵۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد؛ رئیس جمهور با توافق رئیس دولت در مورد قراردادهای بین‌المللی مذاکره و آن‌ها را تنفیذ می‌کند. در صورت اقتضای منافع و امنیت کشور، دولت می‌تواند مجلس نمایندگان را از جریان امر مطلع کند یعنی حتی می‌تواند این کار را هم انجام ندهد.

اهم اختیارات رئیس جمهور به شرح زیر است:

- ۱- اعلام و انتشار مصوبات پارلمان به منظور لازم الاجرا کردن آن‌ها
- ۲- اختیار برگرداندن قانون برای بررسی مجدد به مجلس
- ۳- اختیار صدور آیین‌نامه‌های اجرایی را دارد.
- ۴- قابل اجرا کردن لایحه پیشنهادی دولت برای اجراء در صورت استنکاف مجلس از تصویب آن
- ۵- دعوت پارلمان برای تشکیل جلسه و شروع دوره قانونگذاری عادی و استثنایی
- ۶- به تاخیر انداختن دوره‌های عادی پارلمان
- ۷- ارسال لایحه‌های قانونی به مجلس
- ۸- پیشنهاد تغییر قانون اساسی
- ۹- اختیار انحلال پارلمان با موافقت دولت

از مهم‌ترین امتیازات قانون رئیس جمهور نداشتن مسئولیت سیاسی در اعمال و وظیفه‌اش می‌باشد. مگر در صورت نقض قانون اساسی یا ارتکاب به خیانت. عدم مسئولیت سیاسی رئیس جمهور از مبادی اساسی نظام پارلمانی است.

به بررسی بعضی اصول قانون اساسی که اختیاراتی را به رئیس جمهور داده و او را یک قطب قانونی و اثر گذار تبدیل کرده است به صورت خلاصه می‌پردازیم:

- ۱- بند ۴ از ماده ۵۳ قانون اساسی لبنان تصریح دارد: وی (رئیس جمهور) با توافق رئیس هیات وزیران (نخست وزیر) حکم تشکیل دولت و احکام مربوط به پذیرش استعفای وزیران یا برکناری آن‌ها را توشیح می‌کند. رئیس جمهور، پس از مشورت با رئیس مجلس نمایندگان و بر اساس مشورت‌های نمایندگان مجلس که رئیس



مجلس نتایج آن را رسماً به اطلاع رئیس جمهور می‌رساند، رئیس دولت منصوب می‌کند.<sup>۲۹</sup> در این‌جا این نکته روشن می‌شود که فراکسیون اکثریت هرچند هم قوی و از نظر تعداد دارای اکثریت باشند، باز هم برای تشکیل دولت نیازمند توافق با رئیس جمهور هستند، به موجب قانون اساسی، به خصوص هنگامی که فراکسیون اکثریت ضعیف باشد و دارای اکثریت لازم برای تشکیل دولت نباشد، نخست وزیر تعیین شده برای تشکیل دولت با مشکلاتی می‌شود که ناشی از تعداد و تنوع افکار فراکسیون‌های پارلمانی است.

ب- ماده ۵۲ از قانون اساسی: رئیس جمهور با توافق رئیس دولت در مورد قراردادهای بین‌المللی مذاکره و آن‌ها را تنفیذ می‌کند در نتیجه اختیارات هیات دولت در انعقاد نهایی معاهدات منوط به تنفیذ رئیس جمهور است.  
ج- ماده ۵۵ از قانون اساسی: رئیس جمهور حق دارد؛ در موارد مندرج در مواد ۶۵ و ۷۷ قانون اساسی کتونی؛ از هیات دولت، انحلال مجلس نمایندگان را پیش از ختم قانونی ماموریت آن، درخواست نماید و این همان چیزی است که بند ۴ ماده ۶۵ قانون اساسی در خصوص اختیارات هیات دولت بر آن تأکید دارد: "حل مجلس النواب بطلب من رئیس الجمهوریه"<sup>۳۰</sup>

پس بدین ترتیب مشاهده می‌شود درخواست رئیس جمهور شرط قانون اساسی است تا دولت امکان حل پارلمان را داشته باشد در غیر این صورت قوه مجریه اختیار مستقیم برای حل پارلمان را ندارد.

د- در ارتباط با چگونگی اختیار رئیس جمهور با قوانین مصوب پارلمان، قانون اساسی لبنان به موجب ماده ۵۷ این حق را به رئیس جمهور داده است برای توشیح قانون پس از اطلاع هیات دولت یک بار دیگر شور قانون را درخواست کند، درخواست مزبور را نمی‌توان رد کرد. ولی رئیس جمهور بعد از شور مجدد موظف به توشیح قانون است. در صورتی که مهلت مزبور بدون توشیح یا بازگرداندن قانون مورد نظر منقضی شود، قانون مزبور به خودی خود قابل اجرا می‌شود و باید انتشار یابد.

ه- به موجب اصل ۵۸<sup>۳۱</sup> قانون اساسی رئیس جمهور می‌تواند با مصوبه دولتی صادره و با نظر موافق هیات وزیران هر لایحه‌ای را که دولت فوریت آن را در مصوبه ارسالی به پارلمان اعلام نموده و مجلس ظرف چهل روز پس از درج آن در دستور کار جلسه با حضور کلیه اعضا و قرائت آن در جلسه مزبور هنوز در مورد آن اعلام نظر نکرده باشد، قابل اجرا کند. در اینجا به یکی از اختیارات اعطایی قانون اساسی لبنان به رئیس جمهور برمی‌خوریم که به نظر می‌رسد یک امر فراقانونی است و مجلس نمایندگان را در موضع ضعف قرار می‌دهد.

<sup>۲۹</sup> در قانون اساسی جمهوری اسلامی، چنین امری وجود ندارد و رئیس جمهور به موجب قانون اساسی الزامی برای مشورت با رئیس مجلس ندارد، لیکن برای تقاضای بیشتر ممکن است مشورت‌های غیر رسمی انجام شود. اصل ۲۳ قانون اساسی ایران: وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.

<sup>۳۰</sup> بند ۴ از ماده ۶۵ قانون اساسی لبنان:

دولت، در صورتی که مجلس نمایندگان، بدون هیچ دلیل ضروری از تشکیل جلسه در طول نشست عادی یا در طول دو نشست فوق‌العاده متوالی که مدت هر یک از آنها از یک ماه کمتر نباشد یا در موارد رد بودجه به منظور ایجاد وقفه در عملکرد دولت امتناع ورزد بنا به درخواست رئیس جمهور مجلس نمایندگان را منحل می‌نماید.

<sup>۳۱</sup> آن وضع مشارع القوانين الممجله موضع التنفيذ اذا ماتوفرت فيها الشروط الدستورية مرتبط بالدرجه الاولى بریس الجمهوریه، الذی یملک حق المبادرة، و من ثم بمجلس الوزراء الذی یملک حق الموافقه (الماده ۵۸ الممدله)

و- اختیار رییس جمهور در به تاخیر انداختن تشکیل مجلس تا حداکثر یک ماه به موجب ماده ۵۹ قانون اساسی لبنان: رییس جمهور می‌تواند تشکیل مجلس را حداکثر به مدت یک ماه به تاخیر بیندازد، ولی نمی‌تواند دو بار طی یک نشست این کار را انجام دهد.<sup>۳۳</sup>

با توجه به آنچه که بیان شد و در پرتو آنچه که قانون اساسی برای قوه مجریه بین از رییس جمهور؛ و نخست وزیر و هیات دولت توزیع کرده و به رغم متن ماده ۱۷ از قانون اساسی اصلاحی، می‌توان گفت قانون اساسی لبنان بر امور زیر نظر دارد:

- ممکن است در مقطعی از زمان در دو رکنی بودن قوه مجریه امور و قضایای به نفع رییس جمهور نباشد به خصوص وقتی که اجرای آن امور بعد از پیشنهاد رییس جمهور، منوط به موافقت هیات دولت باشد.

- گاهی اوقات قوه مجریه دو رکنی مساوی بین رییس جمهور و نخست وزیر در خصوص بعضی اختیارات می‌باشد.

- گاهی اوقات قوه مجریه دورکنی به نفع و مصلحت هیات دولت نیست، به خصوص در مورد اختیاراتی که مخصوص هیات دولت است، یعنی در اموری که رییس جمهور تسلط بر آن امور ندارد و فقط اختیار اعتراض موقت دارد.

به طور حتم، تصویب‌کنندگان قانون اساسی هنگامی که قانون اساسی را در سال ۱۹۹۰ براساس تفاهم‌نامه طایف اصلاح کردند، تعریف‌های قانون اساسی را انجام ندادند یا دسته‌های مختلف نظام پارلمانی را بیان نکردند که این دسته‌بندی‌های مختلف پارلمانی، از طرفی نتیجه پیشرفت بوده و از طرفی نتیجه اختلاف‌های ظروف سیاسی، و حزبی و اجتماعی که مخصوص دولت‌ها و مردم بوده؛ است می‌باشد.

اگر بخواهیم چگونگی طبیعت نظام حقوقی کنونی لبنان را مشخص کنیم، از طریق ظاهر و روح باطن قانون اساسی و از خصوصیات مجتمع لبنانی که مهم‌ترین آن خصایص طایفه‌ای، منطقه‌ای و ضعف احزاب سیاسی می‌باشد، می‌توانیم بگوییم نظام لبنان، نظامی است بر پایه نظام پارلمانی طایفه‌ای و توافقی که بر بعضی قواعد دموکراسی توافقی مانند؛ بعضی دولت‌های اروپای میانه مانند (بلژیک، لهستان، سوئیس و اتریش) تکیه کرده و منطبق است.

لیکن با قایل شدن به هیمنه واضح و روشن قوه مقننه و به دلیل فقدان یکی از مهم‌ترین قواعد و پایه‌های پارلمان کلاسیک که عبارت است از توازن بین قوا علی‌رغم این که بند (ه) مقدمه قانون اساسی لبنان، تصریح دارد بر این که نظام حقوقی لبنان، بر تفکیک و توازن قوا و همکاری استوار است،<sup>۳۴</sup> لیکن در عمل چنین نیست و فقدان این پایه مهم توازن قوا شاهد هستیم و بعضی از قوا هیمنه خود را بر دیگری دارد.

<sup>۳۳</sup>- البته آقای دکتر زهیر شکر می‌گوید: این اختیار رییس، جمهور نیازمند موافقت هیات دولت است، ولی در قانون اساسی چنین ذکر نشده است.

<sup>۳۴</sup>- بری بعضی درسی النظام الدستوری و سیاسی اللبناني انه كان حتى قبل التديل الدستوري لعام ۱۹۹۰ نظام توافقی. و اذا كان ذلك صحيحاً فيما خص بعض قواعد المشاركة، فانه لم يكن كذلك فيما خص جوهر التوافقية واسسها نظراً لهيمنة طایفه معينه على مقدرات الحكم و قواعد في الاداره و القضاء و الجيش و الماليه العامه، و نحن نعتقد ان أقصى درجات التوافقية كانت تتحقق في اوقات الازمات السياسه الكبرى من خلال تطبيق مبدأ التقيض و المتبادل و الذي كان يودي الى- مثل الحكم و الدخول في ازمات سياسيه و اكبر. ولو طبقت فعلاً قواعد النظام التوافقي الصحيحه لا يمكن تجنب الوصول الى الانفجار عام ۱۹۷۵. به نقل از كتاب دکتر زهیر شکر الوسيط في القانون الدستوري اللبناني - بيروت دارالجامعه ۲۰۰۱ ص ۳۹۵. در ارتباط با کسانی که در خصوص صیغه توافقی برای نظام قانونی و

همه این امور بیانگر این است که جوهره اصولی و قانون کلاسیک که قانون اساسی برگرفته از آن باشد، یک صورت حقیقی؛ و واضح؛ روشن و کامل از طبیعت سیستم حقوقی و سیاسی لبنان به ما نمی‌دهد و برای این که این صورت و این موضوع کامل شود، ناچار هستیم به دو مساله توجه کنیم: اولین مساله واقعیت حیات سیاسی در لبنان است که رییس جمهور را به عنوان بارزترین قطب حاکم و به عنوان نماینده امت قرار می‌دهد. به خصوص به عنوان نماینده طایفه مارونی؛ ولی این حقیقت نقش ممتاز و قانونی رییس جمهور را با اوصافش، به عنوان حاکم و رییس برای کلیه نهادهای قانونی و مرجعی برای تمامی لبنانی‌ها و رمزی برای وحدت کشور از بین نمی‌برد.<sup>۳۳</sup>

دوم این که تجربه قانون اساسی سال ۱۹۹۰، یک تجربه جدیدی است که هنوز ۱۵ سال بیشتر از تعدیل آن نگذشته و یک حادثه جدید است. آینده نظام حقوقی و سیاسی لبنان، مرتبط به آینده دور است که با عملکرد صحیح پارلمانی و با ورود احزاب به حیات سیاسی پارلمانی و با تصویب قوانین جدید انتخابات متحول خواهد شد و به طور خلاصه، برقراری نظام پارلمانی براساس قانون اساسی و ملی و نه براساس سیستم طایفه‌ای و منطقه‌ای، همان طور که مقدمه قانون اساسی ضرورت الفا طایفه‌ای و فرقه‌ای را ضروری دانسته است همین طور اداره موسسات و نهادهای سیاسی بر اساس قانون اساسی، موجب حمایت ملی و ارتقا سطح نمایندگی پارلمانی و انجام وظایف سیاسی و ایجاد زیبایی‌هایی برای عمل حزبی و دموکراسی می‌شود و پیوسته به ماده ۹۵ قانون اساسی عمل شود؛ چرا که این ماده بر مساوات بین مسلمانان و مسیحیان و حضور تمامی طوایف به شکل عادلانه در دولت و لغو قاعده نمایندگی فرقه‌ای تاکید دارد.

### ب- مجلس نمایندگان (یا مجلس النواب)

قانون اساسی لبنان، اختیار قانونگذاری را در گذشته به دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان واگذار کرده بود، اصل شانزدهم پیشین دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان، قوه مقننه را اعمال می‌کند اما با اصلاحیه ۱۹۲۷ این اصل منسوخ و تغییر یافت و فقط یک مجلس یعنی مجلس نمایندگان، قوه مقننه را اعمال کرد؛ لیکن اصلاحیه ۱۹۹۰/۹/۲۱ این اصل را دوباره وضع کرد؛ با انتخاب اولین مجلس نمایندگان براساس ملی و نه مذهبی، مجلس

۳۳- سیاسی لبنان کتاب نوشته و تحقیق انجام داده‌اند، می‌تواند به محققین و طرفداران این قضیه به شرح زیر اشاره کرد: و من الباحثین المودیین للصفیه التوافقیه للنظام الدستوری و السیاسی اللبنانی، قبل اندلاع حرب الاهلیه: الدكتور انتوان مسره الذی اصدر عده دراسه متاتراً بدراسات لیبهارت و اهمها "الديمو قراطيه التوافقیه فی لبنان" (بالفرانسیه)

مشتورات الجامعه اللبنانیه. الدكتور انتوان عازله "النموذج الطوائفی ذواتوازن غیر مستمر" (بالفرانسیه) منشورات المکتبه الشرقیه. بیروت ۱۹۷۸. الدكتور بسام الهاشم. "النقاء الطائفي السیاسی" النار البنیانیه للنشر الجامعی، بیروت شباط ۲۰۰۰. الاستاد طونی جورج عطاء الله: "التضامن الوزاری". دراسه حاله فی النزاع و التسویه فی الانظمیه الاتتلافیه. بیروت ۱۹۹۷. ویفید کتاب الدكتور کمال الحاج "فلسفه الميثاق الوطنی" المرتکز الفلسفی و السیاسی الاول لتخریه التوافقیه الطائفيه او "الطائفيه البناه"

۳۳- لقدمارس الرییس الیاس الہراوی الحکم فی بدایه عہدہ من منطلق موقفہ الدستوری و الوطنی. لقد استطاع ان یحقق انجازات هامه فی اعادہ بناء مؤسسات الدوله و انہاء الحرب الاهلیه و حل الميلشیات و مع الاسف فان تلك الانجازات الوطنیہ استفتت من رصیدہ السیاسی داخل الطائفہ المارونیہ علی وجه التحدید هنا بالرغم من ان الرییس الہراوی کرم اعرافاً دستوریہ جدیدہ جعلت من رییس الجمهوریہ مشارکاً اساساً فی ممارسہ شؤون الحکم الیومہ الامر الذی اعاد للطائفہ المارونیہ بعض ما فقدته فی التمدیلات الدستوریہ لعام ۱۹۹۰.

سنایی تاسیس خواهد شد که تمامی جوامع فکری در آن نمایندگی دارند و اختیارات آن محدود به مسایل خیلی مهم ملی می‌باشد.<sup>۲۵</sup>

در عین حال اصل ۲۳ که مربوط به شرایط احراز سناتوری است منسوخ و احیا نشده است. اختیار و قدرت قانونگذاری، نظارت بر کار و سیاست دولت، از وظایف اصلی مجلس نمایندگان است. انتخاب رییس جمهور، بررسی و تصویب بودجه سالانه دولت، رای اعتماد و عدم اعتماد به کابینه، اصلاحات قانون اساسی و استیضاح وزرا از وظایف مجلس نمایندگان است.

ترکیب نمایندگان بر نظام طایفه‌ای استوار است و کرسی‌های پارلمان در دست فرقه‌های مذهبی و نه احزاب سیاسی قرار دارد البته در گذشته تعداد نمایندگان در هر دوره متفاوت بوده و همیشه باید مضرب عدد یازده می‌باشد یعنی شش نماینده از گروه‌های مسیحی و پنج نماینده از گروه‌های مسلمان، اما به موجب قانون سال ۱۹۹۳، تعداد نمایندگان به ۱۲۸ نفر افزایش یافته و به شکل مساوی بین مسیحیان و مسلمانان است. البته به موجب اصل ۲۴ و اصل ۹۵ قانون اساسی لبنان، مقرر شد که مجلس نمایندگان، یک قانون انتخابات بدون قید مذهبی را وضع کند که تاکنون این امر اتفاق نیفتاده است. یک نماینده مجلس هم‌زمان می‌تواند مسئولیت وزارت را داشته باشد و منافاتی بین ماموریت و کالت و مسئولیت وزارت وجود ندارد.<sup>۲۶، ۲۷</sup>

### جلسات مجلس:

قوانین اساسی یک سری اصول و اوقات برای تشکیل جلسات مجلس تنظیم می‌کند که دوره یا دوره‌های عادی نامیده می‌شود. بعضی از مجالس، دارای یک دوره طولانی هستند و بعضی مجالس هم دارای دو دوره هستند که به طور معمول بین دو دوره فاصله زمانی وجود دارد. هم‌چنان‌که قانون اساسی دوره‌های استثنایی را تنظیم می‌کند و تشکیل آن‌را به اراده مجلس یا دولت واگذار می‌کند یا به اراده مشترک مجلس و دولت.

کلیه قوانین اساسی کشورهای پارلمانی، تشکیل جلسات پارلمانی را در غیر اوقات معین ممنوع می‌کنند و در صورت تشکیل جلسه، تحت مسئولیت اعتبار اجتماعی مصوبات آن باطل محسوب می‌شود و به دنبال آن عدم

<sup>۲۵</sup>- قابل ذکر است که مجلس سنا تاکنون تشکیل نشده و قوه مقننه لبنان، عملاً توسط مجلس نمایندگان اعمال می‌شود. به موجب اصل ۲۲، مجلس سنا مرکب از شانزده عضو است که هفت نفر آنها را رییس کشور، در شورای وزیران منصوب می‌کند و سایرین از طرف مردم به این سمت انتخاب می‌شوند، ماموریت سناتورها شش سال و آن‌ها پس از خروج از سنا مجدداً می‌توانند به دفعات نامحدودی به این سمت انتخاب شوند.

<sup>۲۶</sup>- اصل ۲۸ ق- لبنان

<sup>۲۷</sup>- لقد تطور عدد اعضاء البرلمان من (۴۵) عام ۱۹۲۹، الی (۲۵) عام ۱۹۳۴، الی (۶۳) عام ۱۹۳۷، الی (۵۵) عام ۱۹۳۳، الی (۷۷) عام ۱۹۵۱، الی (۴۴) عام ۱۹۵۳، الی (۶۶) تطبيقاً عام ۱۹۵۱، الی (۹۹) فی القانون الحالي و الی (۱۰۸) فی مشروع القانون الذی اقرته الحكومة بتاريخ ۹/۳/۲۸ بناء علی اتفاقیه الطائف و تطبيقاً لمبدأ المساواه بين المسلمين و المسيحين و الی ۱۲۸ بموجب القانون الصادر عام ۱۹۹۲ يستقر علیه فی انتخابات ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰.

در حال حاضر تعداد نماینده‌های مجلس نمایندگان لبنان ۱۲۸ نفر است که به شرح زیر بین طوایف لبنان تقسیم شده است: ۲۷ سنی، ۲۷ شیعه و ۸ دروز و ۲ نفر علوی یعنی در مجموع ۶۴ نفر نماینده برای مسلمانان اما برای مسیحی‌ها ۲۵ مارونی ۱۴ ارتودکسی، ۸ کاتولیک، ۴ نفر از ارامنه یک نفر از ارامنه کاتولیک یک نفر انجیلی و یک نفر از اقلیت‌ها.

قانونی بودن مصوباتی است که از جلسات منتج شده است. در فرانسه، پارلمان تا همین قرن اخیر سالانه تشکیل جلسه می‌داد. قانون اساسی سال ۱۹۵۸ سیستم دو دوره عادی و دوره‌های استثنایی را مقرر کرده است.<sup>۲۸</sup>

الف: دوره عادی:

هدف و منظور از چنین قاعده و قوانینی، تنظیم اصول کار پارلمانی شده و این نتیجه یک سری قواعد موروثی از زمان عهد پادشاهی در عهدهای اولی نظام پارلمانی است. قانون اساسی لبنان، در ماده ۳۱ اعلام می‌دارد: تشکیل جلسه خارج از زمان قانونی نشست‌ها ممنوع و غیرقانونی است.

نشست‌های عادی یا تشکیل جلسات عادی، مدت زمانی است که پارلمان برای انجام وظایف قانونی خود تشکیل جلسه می‌دهد. بنابر دیدگاه آقای زهیر شکر، چنانچه پارلمان نشست‌های عدیده‌ای در مدت زمان طولانی داشته باشد، برای اعمال قانونگذاری، تصویب بودجه و نظارت سیاسی خود باید وقت زیادی را به حکومت بدهد و موجب به هم ریختن برنامه‌ها می‌شود، بنابراین اعتماد و تکیه فرانسه در قانون اساسیش بر نظام جلسات، در واقع یکی از عناصر عقلانی پارلمانی است.

براساس ماده ۳۲ قانون اساسی، مجلس هر ساله دو نشست عادی تشکیل می‌دهد؛ اولین نشست در اولین سه‌شنبه پس از ۱۵ مارس افتتاح و در پایان ماه مه ختم می‌شود و دومین جلسه در اولین سه‌شنبه پس از ۱۵ اکتبر افتتاح می‌شود. دومین نشست پیش از هر کاری به بحث و رای‌گیری در مورد بودجه اختصاص دارد. نشست مزبور تا پایان سال به طول می‌انجامد.

برای مجلس اختیارات و صلاحیات مطلق وجود دارد تا در دوره عادی اول خود تمامی اختیارات قانونی خویش را اعمال کند، مانند قانونگذاری و نظارت بر حکومت و استیضاح و رای عدم اعتماد، اما دوره دوم خود را قبل از هر عمل و وظیفه دیگری به بررسی و تصویب بودجه اختصاص می‌دهد. به استناد ماده ۵۹ قانون اساسی رییس جمهور می‌تواند تشکیل جلسه مجلس را به مدت یک ماه به تاخیر بیندازد، ولی نمی‌تواند دو بار طی یک نشست این کار را انجام دهد. بدیهی است که استفاده از این اختیارات، نیازمند موافقت نخست وزیر می‌باشد. به طور طبیعی رییس جمهور از این اختیار استفاده نمی‌کند، مگر تحت شرایط خاص یا یک وضعیت استثنایی مانند اختلاف بین دولت و مجلس یا موارد اضطراری و اعتصابات سیاسی در کشور.

### اختیارات پارلمان بین اصول قانون اساسی و عملکرد عملی آن

نظام و سیستم پارلمانی بر مبدا تسلط پارلمان متمرکز است و این تسلط ناشی از مفهوم دموکراسی تمثیلی است. لذا نمایندگان برگزیده مردم هستند و مشروعیت و صلاحیت خود را مستقیم از مردم می‌گیرند. در این حال قوه مجریه؛ و دستگاه‌ها و موسسات از جمله رییس جمهور و حکومت، برگزیده نمایندگان هستند. و به صورت مستقیم از جانب مردم برگزیده نمی‌شوند.

البته مبدا و اصالت تسلط پارلمان در سیستم‌های کنونی، یک مبدا نظری شده است تا جایی که کنترل نقش مجلس و زیاد شدن نقش قوه مجریه را در حیات سیاسی کنونی شاهد هستیم و به همین دلیل حکومتی که دارای اکثریت پارلمانی است، از طریق رهبری و رییس حزب حاکم، بر پارلمان تسلط دارد و بدین خاطر کار، قانونگذاری که از ضروریات و خواسته‌های زندگی جدید محسوب می‌شود، یک عمل فنی به شمار می‌رود که نیازمند

<sup>۲۸</sup> - دکتر زهیر شبکه الوسيط فی القانون الدستوري، مرجع سابق ص ۴۶۹.

کارشناسان و توانمندی‌های خاص خودش است. البته قابل ذکر است که این عمل فنی، نزد اعضای مجلس نمایندگان خیلی به فور پدیدار نیست.

اما در لبنان ضعف نقش پارلمان، ناشی از سبب‌های ذکر شده، در بالا و اسباب دیگری است که به نبود یا ضعف احزاب سیاسی مرتبط می‌شود که بنا به طبیعت تشکیل و ترکیب دولت تقریباً یک پارلمان کوچک از گروه‌ها؛ جناح‌ها؛ مناطق و طوایف مختلفی را نمایندگی می‌کند و با توجه به نقش ممتاز و مهمی که رییس جمهور دارد، نقشی که از قانون اساسی و از واقعیت سیاسی طوایف اخذ کرده و تعداد زیادی از نمایندگان در دایره قدرت او فعالیت می‌کنند و توجیهات و نظرات او را رعایت می‌کنند و امور دیگری از جمله چشم‌داشت‌های طایفه‌ای در محور دست یافتن به منصب وزارت در حکومت آینده از بیشترین دلایل ضعف پارلمان از سال ۱۹۴۳ تا سال ۱۹۹۰ بوده است. در واقع هیمنه قطب‌های سیاسی بر پارلمان، بیشتر به کار سیاسی و مصلحت خاص توجه دارد تا به اهمیت و توجه به نقش قانون‌گذاری و نظارتی مجلس.

### اختیار قانونگذاری:

قانون اساسی لبنان، در موارد قانونی خود تصویب قانون را تنها مخصوص پارلمان نمی‌داند.<sup>۳۹</sup> قانون اساسی در ماده ۱۶ خود در ارتباط با نقش مجلس در قانون‌گذاری چنین آورده:

«تولی السلطه المشرعه هیئته واحده هی مجلس النواب» یعنی پارلمان از یک مجلس تشکیل شده است و به عبارت دیگر فقط تنها مجلس نمایندگان قوه مقننه را اعمال می‌کنند. و در ماده ۱۸ می‌گوید مجلس نمایندگان و شورای وزیران، از حق پیشنهاد قوانین برخوردار هستند. در ماده ۱۹ قدیم و ماده ۱۸ بعد از اصلاح قانون اساسی، به صورت خاص آمده است: تا زمانی که قانونی به تصویب مجلس نمایندگان نرسیده باشد، انتشار نمی‌یابد یا توشیح نمی‌شود.

ماده ۱۹ از قانون اساسی با ماده ۵۸ که به رییس جمهور اجازه می‌دهد به موجب فرمانی بدون تصویب مجلس اقدام به صدور قانون کند و آن را قابل اجرا کند، در تضاد است و این تضاد ناشی از مضمون ماده ۵۸۴۰ قانون اساسی جمهوری سوم است و برخلاف قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ که تکیه بر معیارهای شکلی در تعیین قانون دارد، است پس در واقع قانون عمل قانونگذاری است که مجلس آن را تصویب کرده باشد، صرف نظر از این که مضمون آن چه باشد. کافی است که مضمون آن قانون باشد یا تشکیلاتی و سازمانی باشد یا اداری.

صلاحیت قانونگذاری پارلمان در لبنان، عاری از هرگونه قید قانونی است و این صلاحیت، مخصوص مجلس است، برای مردم هیچ حق مشارکتی که به نوعی از انواع متداولی که در بعضی کشورهای دموکراسی دیده می‌شود و نیازمند ابزارهای دموکراسی شبه مستقیم مانند آن‌چه که در ایتالیا و سوئیس و فرانسه رواج دارد وجود ندارد.

این صلاحیت برای پارلمان یک صلاحیت ذاتی است و باید آن را به صورت مستقیم اعمال کند و حق تفویض آن را به موسسه دیگری ندارد.

<sup>۳۹</sup> - ماده ۵۸ قانون اساسی لبنان: رییس جمهور می‌تواند با مصوبه دولتی صادره با نظر موافق هیات وزیران. هر لایحه‌ای را که دولت فوریت آن را در مصوبه ارسالی مصوب با نظر موافق هیات وزیران اعلام کرده و مجلس چهل روز پس از درج آن در دستور کار جلسه با حضور کلیه اعضا و قرائت آن در جلسه مزبور که هنوز در مورد آن اعلام نظر نکرده باشد، قابل اجرا کند.

البته بعد از اصلاحیه اخیر قانون اساسی (۱۹۹۰) صلاحیت نظارت مجلس، بر رعایت قانون اساسی از بین رفت.<sup>۳۱</sup>

برخلاف آن‌چه که قانون اساسی بعضی از کشورهای صاحب دموکراسی از جمله فرانسه بر آن تکیه می‌کنند همانا در خصوص چهارچوب محدوده روند قانونگذاری و توزیع صلاحیت قانونگذاری بین پارلمان و دولت یا آن‌چه که متعلق به تشخیص و تمیز بین قوانین است، تصویب قوانین از نظر تصویب و اکثریت مطلوب برای تصویب باهم فرق می‌کند برای مثال قانون اساسی در فرانسه بین قانون اساسی *loi organique* و قوانین مالی *Lois des Finances* تفاوت قایل می‌شود، قوانین سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی و قوانین برنامه *Lois des Programmes* اما قانون اساسی لبنان بین دسته‌های قوانین عادی فرقی نمی‌گذارد. صرفاً قانون اساسی به یک سری اصول اجرایی خاصی اشاره می‌کند که در وقت رای‌گیری اکثریت مطلوب را می‌طلبد.

### ب: نشست‌های فوق‌العاده

مجلس براساس ماده ۳۳ قانون اساسی و بنا بر فرمان رئیس جمهور جلسات نشست‌های فوق‌العاده را برگزار می‌کند.<sup>۳۲</sup> تاریخ شروع و تشکیل جلسات فوق‌العاده و پایان آن به موجب فرمان رئیس جمهور تعیین می‌شود در این فرمان برنامه جلسه فوق‌العاده نیز اعلام می‌شود هم‌چنین چنان‌چه اکثریت مطلق نمایندگان، درخواست کنند رئیس جمهور موظف است نسبت به فراخواندن مجلسی مزبور به نشست‌های فوق‌العاده اقدام نماید. در ارتباط با این موضوع که رئیس جمهور ملزم به دعوت درخواست اکثریت پارلمان است موجب جدل‌هایی در خصوص قانون اساسی شده است، بعضی معتقد هستند که رئیس جمهور قدرت عدم پاسخگویی را ندارد و بعضی دیگر هم معتقد هستند چنان‌چه رئیس جمهور امکان تأخیر تشکیل دوره عادی را داشته باشد، می‌تواند در صورت اقتضای ظروف و وضعیت دولت، درخواست اکثریت را پاسخ نگوید و اقدام به تشکیل جلسه نکند؛ اما اکثریت صاحب نظرات قانون اساسی، معتقد هستند که متن قانون اساسی واضح و روشن است و نیازی به تفسیر و اجتهاد ندارد؛ چرا که رئیس جمهور ملزم به اجابت خواسته اکثریت نمایندگان است و در صورت عدم صدور فرمان دعوت مجلس به تشکیل جلسه، مجلس با دعوت رئیس مجلس تشکیل جلسه خواهد داد.

<sup>۳۱</sup> - با اصلاح اخیر قانون اساسی لبنان به موجب ماده ۱۹ شورای به نام شورای قانون اساسی ایجاد شده و مأموریت و کار آن هم نظارت بر رعایت کلیه قوانین براساس قانون اساسی می‌باشد. لذا با نظارت شورای قانون اساسی بر رعایت اصول قانون اساسی در قانونگذاری، حاکمیت پارلمان در قانونگذاری از بین می‌رود چرا که قوانینی را که مجلس تصویب می‌کند احتمال ابطال آنها توسط شورای مذکور وجود دارد این موضوع یعنی ابطال قوانین مصوب مجلس توسط شورای قانون اساسی در فرانسه بارها تکرار شده است و به همین خاطر متوسل شده‌اند به اصلاح قانون اساسی برای از بین بردن این مخالفت با قانون مصوب مجلس توسط شورای قانون اساسی، آخرین مورد در این خصوص در سال ۲۰۰۰ م می‌باشد هنگامی که قانون اساسی در خصوص موضوع الکووتا خانمها در انتخابات و نمایندگی غیر پارلمانی اصلاح گردید براساس این اصلاحات مجلس قانونی را تصویب کرد که شورای قانون اساسی در گذشته آن را رد کرده بود، به نقل از دکتر زهیر شکر استاد حقوق اساسی دانشگاه لبنان

<sup>۳۲</sup> - این ماده قانونی اصلاح شده و دعوت رئیس جمهور به جلسه استثنایی نیزمستثنای توافق با حکومت یا همان (هیأت دولت) می‌باشد رئیس‌جمهوری به‌الاتفاق مع رئیس‌الحکومه آن يدعو مجلس التواب الی عقود (استثنایه بمرسوم) بحدد افتتاحها و اختتامها و برنامیها، و علی رئیس‌الجمهوری، دعوه المجلس الی عقود استثنایه اذا طلبت ذلک الاکثریه المطلقه من مجموع اعضائه.

## نشست‌های با فرمان و حکم

مجلس علاوه بر تشکیل نشست‌های عادی و فوق‌العاده در پنج مرحله با فرمان و حکم تشکیل جلسه می‌دهد. ۱- هنگامی که دوره مجلس پایان می‌یابد چه به صورت انحلال و چه به صورت پایان دوره، چهار ساله. به دنبال پایان دوره اعلان انتخابات می‌شود که در این مرحله رئیس جمهور مجلس را برای انتخاب هیات ریسه دعوت به جلسه فوق‌العاده می‌کند.

۲- به هنگام پایان دوره ریاست رئیس جمهور برای انتخاب رئیس جمهور جدید

۳- در حالت عدم تصدی سمت ریاست جمهور به علت فوت، استعفا یا هر علت دیگری

۴- در حال ارتکاب رئیس جمهور به خیانت بزرگ و نقض قانون اساسی

۵- در حالت استعفا دولت و تشکیل حکومت جدید برای رای اعتماد

در لبنان همانند سایر کشورهای دارای دموکراسی با توجه به این‌که دولت ارتباط تنگاتنگ و روزانه‌ای با نهادهای عمومی دارد، بسیاری از نیازهای ضروری نهادها به صورت لایحه از طرف دولت پیشنهاد می‌شود. به دلیل آگاهی بیشتر دولت برای اصلاح قانون اساسی همانا پارلمان ترجیح می‌دهد که پیشنهاد از طرف حکومت باشد چرا که چنان‌چه از طرف نمایندگان باشد و حکومت با آن مخالفت کند امکان انحلال پارلمان وجود دارد.

از زمان اصلاح و تعدیل قانون اساسی در سال ۱۹۹۰، علی‌رغم اصرار دولت، پارلمان با هیچ‌گونه تفویض اختیار قانونگذاری موافقت نکرده است. این مخالفت قبل از این که در هیات ریسه یا در مجلس مطرح شود از طرف رئیس مجلس رد شده است و دلیل رئیس مجلس برای عدم تفویض این است که مجلس هر زمان و هر لحظه، آماده بررسی لوایح دولت برای تصویب قوانین بوده و نیازی به تفویض نیست.

قانون اساسی لبنان بر این که مصوبات مجلس با اکثریت مطلوب مورد تصویب قرار گیرد تاکید دارد به استثنای مسایل محدود و حصری که در قانون اساسی نیازمند رای دو سوم نمایندگان است به همین دلیل بعضی حقوقدانان لبنان، معتقد هستند که صلاحیت و اختیار پارلمان در قانونگذاری، از نظر تئوری از صلاحیت و اختیار پارلمان لبنان در اکثر دولتهای دارای دموکراسی قوی‌تر است. چنان‌چه تصویب قوانین را جزو صلاحیت و اختیار پارلمان بدانیم، همانا قانون در نظامهای دموکراسی نتیجه اراده مشترک بین پارلمان و دولت بوده باشد و دولت در قانونگذاری به وسیله پیشنهاد قوانین (لایحه قانونی)، در امر قانونگذاری مشارکت می‌کند یا از طریق توشیح قوانین یا بازگشت آن برای بررسی مجدد مشارکت دارد.

از مطالعه اصلاحات قانون اساسی که در تاریخ ۱۹۹۰/۹/۲۱ و در پرتو واقعیت‌های سیاسی لبنان (طوایف سیاسی، ضعف نمایندگی احزاب در نهادهای قانونی) انجام شد، نتیجه می‌گیریم که نظام حکومتی و قانونی لبنان پیوسته نظامی پارلمانی خاص است چرا که به سختی می‌توان آن را در زمره دسته‌های تقلیدی و متداولی که در دنیا و در نظام‌های حقوقی وجود دارد قرار داد.



## Study of legal system of Lebanon

**Kheirollah Parvin** ✍

*In constitutional of dual legal system that it governs to all aspects (legal, politic, religious and social) in Lebanon more knowledge of this country is useful for searchers. The system that in one side Christianity with support of western system and in other side, Islam and its dependency on Arabian-Islamic countries and also differences between Christian and Islamic groups, all of these issues have made situation of this country unique.*

*Lebanon was one part of Ottoman Empire from 1516 and it was from 1920 until 1943 under trusteeship of France. Lebanon was the first republic in arab world and it has after Iran second constitution in the middle east. The constitution has been started the governmental system as parliamentary democracy, but because of tribes and religious factions this affair didn't realize.*

*The governmental system of this country was a factional system until 1990 that some fundamental changes in governmental system of Lebanon have been invented with amendment of the constitution and national and public issues have been highlighted instead of tribal issues and kind of balances established between the authorities. The ultra vires authorization of president has been reduced and number of representatives of Islamic and Christian bodies has been divided equally.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی